

صبح ایران

روزی روزگاری عیار

نگاهی به شباهت‌های دو مجموعه تلویزیونی نشان می‌دهد که هرکدام تلاش کرده‌اند نزد مخاطب خود ماندگار شوند



گیشه داغ پاییزی

مخاطبان و فروش سینما در فصل پاییز افزایش یافته است



باستانی پاریزی در گذرهای پریچ و خم تاریخ

در نوع روایت‌گری او از تاریخ، نقش مردم بسیار پررنگ بود؛ از مردم در اعصار و قرون پیشین حرف زد و به عبارتی تاریخ را مردمی کرد



پمپاژ عاطفه به خانواده‌های ایرانی

«جام جم» ویژه‌برنامه یلدای شبکه دوی سیما را از منظری متفاوت بررسی می‌کند



تجلیل ایران و تاجیکستان از پدر شعر فارسی

قرار است در سلسله نشست‌های سالانه، استادان زبان فارسی در ایران و تاجیکستان راه‌های تقویت پیوندهای فرهنگی دو کشور بررسی شود

علمی بالای جمهوری اسلامی ایران بین کشورهای منطقه، موضوع صدور علم و فناوری و در کنار آن پرداختن به مسائل فرهنگی، اولویت فعالیت‌ها بوده که با محوریت کشورهای همسایه به دنبال احقاق این اهداف هستیم. رئیس این همایش دکتر محمدجواد یاحقی، استاد شناخته شده ادبیات فارسی خواهد بود و دکتر سلمان ساکت، مسئولیت علمی و اجرایی همایش را بر عهده دارد. شش استاد از کشور تاجیکستان توسط مدیریت همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه دعوت شده‌اند و قرار است درباره موضوع همایش سخنرانی‌های علمی و نشست‌های همفکری برای گسترش روابط فرهنگی میان دو ملت برگزار کنند. مهمانان تاجیک دیروز وارد مشهد شدند و در روز پنجشنبه بعد از پایان همایش، دیداری از کتابخانه آستان قدس رضوی و آرامگاه فردوسی خواهند داشت. همچنین قرار است مهمانان تاجیک روز جمعه بازدیدی از آرامگاه خیام، عطار و نادر نیشابور در راستای آشنایی با فرهنگ و ادب این شهر به عنوان یکی از مراکز مهم تمدن فارسی داشته باشند. این همایش روز چهارشنبه این هفته در دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد برگزار می‌شود و در اختتامیه آن، دکتر سیمایی صراف، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به همراه سفیر تاجیکستان در تهران سخنرانی خواهند کرد. قرار است در این همایش سه نشست علمی با عناوین «رودکی و پیوند فرهنگی ایران و تاجیکستان»، «رودکی و رویکردهای تاریخی ایران و تاجیکستان» و «بازتاب آثار رودکی در شعر شاعران فارسی‌برگزار شود. همچنین شاعران و دانشجویان ایرانی و تاجیک در این روز نشست شعرخوانی برگزار خواهند کرد.

رودکی سمرقندی، شاعر مشهور قرن چهارم را پدر شعر فارسی لقب داده‌اند زیرا نخستین کسی است که نمونه‌های منسجم و ماندگاری از شعر به زبان فارسی را پس از دوران طولانی فترت و ناپختگی زبان شاعران فارسی زبان ارائه داد و آثارش راهنمایی برای شاعران ایرانی بود تا در طول قرن‌های متمادی، این هنر را به اوج قله زیبایی و شکوه برسانند. می‌دانیم زادگاه و آرامگاه این شاعر در سرزمین امروزی تاجیکستان قرار دارد و مردم این کشور، علاقه و عشقی شگفت به رودکی دارند. قرار است استادان زبان و ادب فارسی در دو کشور ایران و تاجیکستان در همایشی که این هفته در مشهد برگزار می‌شود، با تجلیل از پدر شعر فارسی درباره پیوندهای فرهنگی دو ملت همفکری کنند. حمیدرضا دانش‌ناری، مدیر همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه فردوسی مشهد گفته است این همایش با نام «همایش رودکی و پیوندهای فرهنگی ایران و تاجیکستان» قرار است اولین همایش در راستای گفت‌وگوهای فرهنگی بین این دو کشور باشد و برگزاری آن در راستای سیاست این دانشگاه برای تقویت ارتباطات با کشورهای همسایه و منطقه به ویژه کشورهای همسایه شمالی است. البته این همایش، تنها یک رویداد مستقل و بدون ادامه نخواهد بود و قرار است سلسله همایش‌هایی هر سال با موضوعاتی متنوع برای ارتقای ارتباطات فرهنگی بین دو کشور برگزار شود که برای اولین بار ایران و سال آینده، کشور تاجیکستان میزبان این همایش خواهند بود. به گفته مدیر همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه فردوسی در وهله اول هدف اصلی از برگزاری این سلسله همایش‌های علمی، مسأله علم و فرهنگ است و باتوجه به جایگاه



تصمیمات ضد اقتدار سینمایی!؟

برخی تصمیمات، عزل و نصب‌ها و برنامه‌ریزی‌های مدیریتی سینما طی چندماه گذشته حکایت از روندی نامعقول دارد. بی‌تردید در هر اتفاق پیرامون ریل‌گذاری‌های جدید، همواره برخی ناراضی و گروهی موافق هستند. در این‌گزاره، مطلق وجود ندارد اما ضریب و جمعیت هر سمتی تعیین‌کننده و ثبات بخش تصمیم تازه است. چنانچه مروری بر سیاست‌ها و تصمیمات مدیریت جدید پیرامون سینما صورت بگیرد، با نوسانات جدی مواجه می‌شویم.



محمدرضا تقی‌فهم

از اعلام فی‌البداهه تفکیک جشنواره فیلم فجر بگیرد تا معرفی شورای سیاست‌گذاری یک‌دست آن، از تغییرات بی‌ثمر فارابی تا رسانه‌ای کردن هیأت انتخاب (که اغلب سینمایی‌ها را انگشت به دهان گذاشت)، از توقف شورا‌های تنظیم‌گری ارشاد (شورای پروانه ساخت و نمایش) تا بایگانی و مخومه‌گذاشتن پرونده‌های فارابی و... همه این‌ها نشان می‌دهد که در عین‌بخشی به رویکردهای مختلف «چکش‌کاری» در کار نبوده و نیست. بله همه آنهایی که جشنواره برگزار کرده‌اند -مانند نگارنده- می‌دانند که اساساً شورای سیاست‌گذاری اعتباری است و نقشی در سمت و سوسو و کم‌وکیف رویداد ندارد، ولی نمی‌توان منکر این بود که چنین شورا‌هایی «پیشانی» هر جشنواره‌ای محسوب می‌شوند. حتی برای برخی تغییرات استراتژیک که قاعدتاً می‌بایستی قبل از قطعیت، به معرض چالش کارشناسان و رسانه گذاشته شوند تا پس از گفت‌وگو پیرامون جوانب کار تصمیم گرفته شود، بازهم این مدیریت دست به پنهان‌کاری زد و تصمیم به عزم فی‌البداهه گرفت. می‌دانم دیرهن‌گام است ولی محض نمونه، موضوع را طرح و بسط می‌دهم.

اعلام تفکیک جشنواره فیلم فجر بدون اهمیت‌دادن به دیدگاه دست‌اندرکاران رسانه و سینما، آیا محملی از اقتدار دارد؟ یا برعکس، دقیقاً و منشأ و مبدأ آن محافظه‌کارانه است و به جای درنظرگرفتن منافع ملی و حقوق صنفی خانواده سینما، صرفاً در راستای تأمین تمایل و خواسته‌های مالی/سیاسی مسیبان آن چیدمان شده است؟ به‌واقع هم در این بحبوحه گرفتاری شغلی/معیشتی سینمایی‌ها و کمبود منابع مالی، راه‌اندازی جشنواره‌ای دیگر تحت عنوان «فیلم فجر بین‌الملل» چه معنایی دارد؟ دو خرجه‌کردن جشنواره فیلم فجر نه تنها مشکلی از تعدد مشکلات سینمای ایران را حل نخواهد کرد بلکه بر معضلات آن دوچندان خواهد افزود. جالب است بدانید در همین شرایطی که متولیان جدید سینمایی، بدون استدلال محکم، در پی راه‌اندازی مجموعه‌ای پروژه‌پذیر بودند و هستند، جشنواره قدیمی و مهمی مانند «برلین» با کاهش بودجه‌اش مواجه شده است. در خبرها اعلام شد که: «سنای برلین در راستای کاهش هزینه‌های شهر، سه میلیارد یورو از هزینه‌های جاری شهر را کاهش داده که شامل دو میلیون یورو از بودجه جشنواره برلین است.» تازه این کاهش بودجه در شرایطی است که پیش از این، سخنگوی برلیناله اعلام کرده بود که جشنواره با مشکلات مالی جدی روبه‌رو است. خب اینجا چه به جای این‌که آقایان در این وضع و اوضاع تورمی، غم نان و کار و مسکن و کلاً راه جمع خانواده سینما داشته باشند، بانی وضعیتی شده‌اند که بودجه سینما در قالب پروژه فیلم فجر بین‌الملل، روانه حساب معدود آدم‌های بی‌نیاز سینما شود. سینمای ایران متعلق به چندده نفر که نیست.

سینمای ایران توسط چند هزار فیلمساز به اینجا رسیده که در بدترین شرایط سیاسی/اجتماعی و سلطه فقر و ناداری، سوخته‌اند و ساخته‌اند. این سینمایی که حالا دوستان بر صدر آن نشسته‌اند، توسط همین اهالی رسانه‌ای که در تغییرات روبه‌عقب به حساب‌شان نمی‌آورند، همواره بزرگ داشته و اعتبار بخشیده شده است. بی‌خود نگفته‌اند گذاشتن یک خشت کج، بنا را تا ثریا کج می‌برد؛ فرصت اصلاح ولی هست، اگر اعتماد و سعه صدر دوستان احیا و تقویت شود.

رابطه «هویت ملی» با «امنیت ملی» در عصر ارتباطات

ورود به دنیای مدرن، خدشه‌دار شدن هویت‌های پیشین و پدیدآمدن هویت‌های تازه، جریان جهانی شدن و حرکت به سمت جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای، موجب شده است تا موضوع «هویت ملی» مورد توجه ژرف‌تر اندیشمندان حوزه‌های گوناگون قرار بگیرد.

طرز تفکر و عقاید افراد که «هویت فردی» نامیده می‌شود، اغلب از طریق ارزش‌ها، نمادها، اسطوره‌ها و سنت‌هایی که میراث جوامع گوناگون را تشکیل می‌دهند، شکل می‌گیرد. این هویت‌های فردی زمانی که به هم می‌پیوندند، هویت‌های گروهی را تولید می‌کنند و از اجتماع هویت‌های

گروهی، «هویت‌های ملی» شکل می‌گیرد. هویت‌های ملی میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهد و مفهومی است که تلاش دارد تعارضات موجود در هویت‌های گروهی را در جوامع کاهش دهد و آنها را در یک هویت بالاتر و بالاتر، هم‌گرا سازد. روبرت امرسون، دانشمند علوم سیاسی می‌گوید: «هویت ملی موجب می‌شود که مردم احساس کنند یک ملت هستند».

اهمیت «هویت ملی» در دنیای امروز به قدری است که برخی از اندیشمندان نظیر ژول پاز، آن را زیربنای تمامی انواع دیگر هویت‌ها می‌دانند. دکتر شریعتی پدیده بی‌هویتی را از حربه‌های کهنه استعمار در ایران می‌داند، همان‌گونه که برخی منوال‌فکرهای وابسته به جریان‌ات استعماری نظیر تقی‌زاده معتقد بودند که برای رسیدن به قافله تمدن باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شدا یعنی که تمامی موارث هویتی یک سرزمین اعم از ملی و مذهبی و... کنار گذاشته شود و ارزش‌های غربی جایگزین گردد!

تغییرات سریع و پرشتاب دهه‌های اخیر و دگرگونی‌هایی که در عرصه‌های مختلف رخ داده است موضوع هویت ملی را امروزه با چالش و بحران مواجه کرده است. موضوع هویت ارتباط مستقیمی با انواع امنیت دارد. کشوری که دچار بحران هویت باشد، انسجام گروه‌های فرهنگی و اجتماعی آن از بین می‌رود و درگیری‌های قومی و نژادی آن تشدید می‌شود، امنیت داخلی با تهدید مواجه شده و در نهایت امنیت ملی کشور با چالشی مخاطره‌آمیز مواجه خواهد شد.

آمار منتشر شده منابع غربی، به شکل واضحی میزان رویکرد و علاقه‌مندی کاربران داخلی به فضاهای جدید ارتباطی را نشان می‌دهد. دانشگاه مک‌گیل ایرانیان را در جایگاه ششم معتادترین مردم به گوشی موبایل قرارداده است. مرکز آمار جهانی اینترنت، ایران را در رتبه نخست تعداد کاربران اینترنتی در منطقه خاورمیانه ذکر کرده است. هم‌چنین بنابر یک تقسیم‌بندی نسلی، بیشترین کاربران اینترنتی در ایران را «نسل سوم» تشکیل داده و بیش از نسل‌های دیگر در معرض آثار ناشی از ارتباطات نوین از جمله مسائل هویتی و بحران هویتی قرار دارند. این رویکرد و اقبال بسیار قابل توجه کاربران، باعث شکل‌گیری نوع جدیدی از هویت که آن را «هویت مشترک جهانی» می‌نامیم، خواهد شد. هویت تازه‌ای که با افزایش سطح ارتباطات پدید آمده، ممکن است موجب شود افراد جامعه و به خصوص نوجوانان و جوانان به و چوه مشترک جهانی خود تعلق خاطر بیشتری پیدا کنند تا هویت ملی خویش. کاربران بومی در این فضای جدید ممکن است فرصت جایگزینی فرهنگی و شکل‌دادن ساختارهای منطبق بر مقتضیات فرهنگ بومی خود را از دست داده و با نوعی ناهنجاری ناشی از فقدان هویت ملی خود مواجه شوند.

کشور ما امروزه به شکلی ناگزیر با پدیده جهانی شدن در فرآیند ارتباطات نوین که شبکه‌های اجتماعی هم داعیه‌دار آن هستند، مواجه شده است. این دوره تاریخی جدید یقیناً به همراه خود عناصر بحران‌زای هویتی را هم به همراه دارد. ضرورت و فوریت توجه به موضوع هویت ملی و راهکارهای تقویت بیش از پیش آن، از عمده‌ترین مسائلی است که به‌طور مکرر، و خصوصاً در سال‌های اخیر از سوی دلسوزان، به تصمیم‌گیران تاکید و گوشزد شده است. خدشه‌دار شدن هویت ملی می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت ملی کشور به‌بار آورد.



سیدعباس دانشگر

دانش‌آموخته دکتری ارتباطات